



## مشاوران آموزش

ناشر تخصصی علوم انسانی  
ناشر تخصصی دروس عمومی



## مشاوران آموزش

ناشر تخصصی دروس عمومی

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف (ناشر) نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

### دفتر انتشارات

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،  
کوچه مهر، پلاک ۱۸  
تلفن: ۶۶۹۵۳۳۰۵

### دفتر فروش

تلفن: ۶۶۹۷۵۷۲۷

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

: یحییوی، اکبر، ۱۳۴۹

: مجموعه کتاب‌های موضوعی قلمرو زبانی جلد ۲

دستور زبان فارسی / مؤلف: اکبر یحییوی،

مسئول نشر: امید شاه‌کمالی

ویراستار: مهسا آقاصفری

: تهران: مشاوران آموزش، ۱۳۹۹.

۱۹۲ ص: ۲۲ × ۱۴ س ۳

: ۳-۳۰۳-۲۱۸-۶۰۰-۹۷۸

: فیپای مختصر

: ۵۴۳۷۰۱۸

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

شماره کتابشناسی ملی

عنوان

مجموعه کتاب‌های موضوعی قلمرو زبانی جلد ۲

(دستور زبان فارسی)

ناشر

مشاوران آموزش

مسئول نشر

امید شاه‌کمالی

چاپخانه

مؤمن

شمارگان

۲۰۰۰ نسخه

قطع

رقعی

نوبت چاپ

اول - ۱۴۰۰

شابک

۳-۳۰۳-۲۱۸-۶۰۰-۹۷۸

قیمت ۴۲۰۰۰ تومان

آشنایی با گروه تولید کتاب‌های موضوعی قلمرو زبانی جلد ۲ دستور زبان فارسی

## خانوادهٔ تألیف

اکبر یحییوی

مؤلف:

شراره فلاحتی

ویراستار فنی:

مهسا آقاصفری

ویراستار علمی:

## خانوادهٔ چاپ و طراحی

عباس جعفری

ناظر چاپ:

آذر سعیدی‌منش

طراح جلد:

الهام رودبارانی

طراح لی‌اوت و گرافیک:

طرلان محمدی

صفحه‌آرا:

یاسمین بگلری

## مقدمه مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس زبان و ادبیات فارسی، یکی از مهم‌ترین دروس عمومی در آزمون سراسری است. لغت و املا، تاریخ ادبیات، قرابت معنایی، آرایه‌های ادبی و دستور زبان فارسی مواردی هستند که در این حوزه مطرح می‌شود. مهارت پاسخ‌دادن به مباحث لغت و تاریخ ادبیات را می‌توان با حفظ کردن به دست آورد. مباحث قرابت معنایی و آرایه‌های ادبی، علاوه بر این که نیازمند مطالعه و کسب اطلاعات در زمینه‌های گوناگون هستند، تا حدی نیز با ذوق و درک مخاطب در ارتباط هستند و می‌توان آن‌ها را فرا گرفت.

مباحث دستور زبان فارسی را نمی‌توان با حفظ کردن به ذهن سپرد؛ بنابراین تنها راهی که می‌تواند یاری‌گر داوطلب باشد، تمرین و تکرار در آموختن این مباحث است. به قول فردوسی حکیم:

به رنج اندر است ای خردمند، گنج نیابد کسی گنج، نابرده رنج  
هر آن کس که از کار دیده‌ست رنج بییابد به اندازه رنج، گنج

کتاب حاضر قصد دارد با فراهم کردن بستری مناسب، مطالب و مباحث دستور زبان فارسی ۱، ۲ و ۳ را در ذهن مخاطب، نهادینه کند. از ویژگی‌های این کتاب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بیان کامل مباحث دستوری به زبان ساده و روان با مثالهای متنوع
  - بیان دام‌های تستی طراحان در پاسخ‌گویی به سؤالات
  - گردآوری سؤالات کنکورهای سراسری؛ متناسب با مبحث هر درس
  - ارائه تست‌های تألیفی با پاسخ تشریحی
- امید است که این کتاب، نقشی هرچند اندک در تقویت مهارت پاسخ‌گویی داوطلبان و دانش‌آموزان گرامی به سؤالات دستور زبان داشته باشد. در نهایت، از تمامی عزیزانی که این‌جانب را در تهیه و نگارش این اثر یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

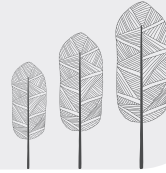
اکبر یحیوی

<http://instagram.com/akbaryahyavi.adabiat>



## فهرست . . .

- ♦ حذف ..... ۶
- ♦ ضمیر و انواع آن ..... ۱۳
- ♦ پرش یا جهش ضمیر ..... ۱۴
- ♦ نقش‌های ضمیر ..... ۱۶
- ♦ گروه فعلی ..... ۲۵
- ♦ گروه اسمی ..... ۴۹
- ♦ وابسته‌های وابسته ..... ۷۲
- ♦ انواع «ی» در زبان فارسی ..... ۸۲
- ♦ وضعیت چهارگانهٔ واژه‌ها در گذر زمان ..... ۸۴
- ♦ شیوهٔ بلاغی ..... ۸۸
- ♦ انواع «واو» ..... ۹۱
- ♦ نقش‌های تبعی ..... ۹۳
- ♦ نقش‌های اسم ..... ۹۹
- ♦ واژه‌های دوتلفظی ..... ۱۱۳
- ♦ انواع جمله ..... ۱۱۴
- ♦ رابطهٔ معنایی میان واژه‌ها ..... ۱۱۸
- ♦ منادا ..... ۱۲۰
- ♦ انواع «بر» ..... ۱۲۳
- ♦ انواع «را» ..... ۱۲۵
- ♦ مُمال ..... ۱۳۰
- ♦ انواع پسوندِ «ک» ..... ۱۳۲
- ♦ انواع «ا» ..... ۱۳۴
- ♦ مصدر ..... ۱۳۶
- ♦ انواع پسوندِ «ان» ..... ۱۴۵
- ♦ آزمون جامع ..... ۱۴۷
- ♦ پاسخنامهٔ تشریحی ..... ۱۴۹



هر یک از اجزای جمله را در صورت وجود قرینه می‌توان حذف کرد.

## انواع حذف

- **حذف قرینه لفظی** در حذف به قرینه لفظی، حذف جزء یا اجزایی از جمله است که معادل آن در خود جمله یا جمله قبل یا بعد از آن وجود دارد؛ نمونه:
  - < یاد دارم که شبی در کاروانی همه شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه‌ای، خفته ○ (= بودم) (فارسی دهم)
  - < سیل آمده ○ (= بود) و همه جا را گرفته بود.
  - < راستی مایه رستگاری است و دروغ مایه شرمساری ○ (= است)

## نکته

در گذشته، گاه، در یک جمله، شناسه به قرینه فعل قبلی حذف می‌شد. (فارسی یازدهم)  
نمونه:

- < شیران غریزند و به اتفاق، آهو را از دام رهانید ○. (فارسی یازدهم)
- در جمله بالا فعل «رهانید» به جای «رهانیدند» آمده است.
- < کبوتران اضطرابی می‌کردند و هریک خود را می‌کوشید ○. (فارسی یازدهم)
- کبوتران اضطرابی می‌کردند و هریک برای رهایی خود می‌کوشیدند.
- < کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکنندند و سر خویش گرفت ○. (فارسی یازدهم)
- کبوتران فرمان وی بکردند و دام برکنندند و سر خویش گرفتند.

**توجه:** امروزه حذف شناسه فعل ممکن نیست.

## نکته

- < حذف نهاد به قرینه شناسه فعل «لفظی» محسوب می‌شود؛ نمونه:
  - < یاد دارم که ○ شبی در کاروانی همه شب رفته بودم. (فارسی دهم)
  - امن یاد دارم که [من] شبی در کاروانی همه شب رفته بودم.
  - < در کلاس نشسته بودیم و ○ چشم به راه معلم ○. (فارسی دهم)
  - [ما] در کلاس نشسته بودیم و [ما] چشم به راه معلم [بودیم].
- نهاد در جمله‌های امری غالباً حذف می‌شود:
  - < بیا که قصر آمل سخت سست بنیاد است / ○ بیار باده که بنیاد عمر بر باد است (ماقظ)
  - [تو] بیا که قصر آمل سخت سست بنیاد است / [تو] باده بیار که بنیاد عمر بر باد است

- **حذف قرینه معنوی** در حذف به قرینه معنوی (معنایی)، هرگاه خواننده یا شنونده از روی معنا و مفهوم جمله، به بخش حذف شده پی‌برد و معادل آن در جمله وجود نداشته باشد، حذف به قرینه معنوی است. مثال:
  - < نیکوخو، بهتر ○ هزار بار از نیکورو. (فارسی دهم)
  - در جمله بالا، فعل «است» به «قرینه معنوی» حذف شده است.
  - < باران رحمت بی حسابش همه را رسیده ○ و خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده ○. (سعری)
  - فعل «است» در دو جمله پایانی به «قرینه معنوی» حذف شده است.

◀ صلاح کار کجا 0 و من خراب کجا 0 / ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا (ماقند)  
صلاح کار  
کجا [است] و من خراب کجا [هستم]

## نکته

- حذف فعل به قرینه معنوی را می‌توان در منادا نیز مشاهده کرد. مثال:
- ◀ زمین به تیغ بلاغت گرفته‌ای سعدی / سپاس‌دار که جز فیض آسمانی نیست (سعری)
  - ای سعدی [با تو هستم] زمین به تیغ بلاغت گرفته‌ای
  - ◀ تو با خود زاهد در جنگ و من با هر دو عالم صلح / مرا باشد جزا جنت تو را باشد سزا دوزخ (فیش کاشانی)
  - ای زاهد [با تو هستم]
  - ◀ در جمله‌های سوگندی که «به» سوگند و قسم دارند) «فعل» به قرینه معنوی حذف می‌شود؛ نمونه:
  - ◀ به جان دوست 0 که دشمن بدین رضا ندهد / که در به روی ببندند آشنایی را (سعری)
  - به جان دوست [سوگند می‌خورم]
  - ◀ «فعلی اسنادی» در جمله‌هایی که مسند آن‌ها، صفت تفضیلی (بہتر، مهتر، آسان تر و ...) است، غالباً حذف می‌شود:
  - ◀ نه هر چه به قامت مهتر 0 به قیمت بہتر 0 (سعری)
  - نه هر چه به قامت مهتر [باشد] به قیمت بہتر [است].
  - ◀ خدمت را هر که فرمایی کمر بندد به طوع / لیکن آن بہتر 0 که فرمایی به خدمتگار خویش (طوع: اطاعت کردن، فرمان بردن) (سعری)
  - لیکن آن بہتر [است] که فرمایی به خدمتگار خویش
  - ◀ به نزدیک من صلح بہتر 0 که جنگ. (سعری)
  - به نزد من صلح از جنگ بہتر [است].

## تمرین

موارد حذف را در نوشته‌های زیر مشخص کنید.

۱. بلند آن سر، که او خواهد بلندش / نژند آن دل، که او خواهد نژندش (سعری، فارسی یازدهم)
۲. گیلهمرد گوشش به این حرف‌ها بدهکار نبود و اصلاً جواب نمی‌داد. (بزرگ علوی)
۳. مور چه می‌داند که بر دیوارهٔ اهرام می‌گذرد / یا بر خشتی خام
۴. روزها فکر من این است و همه شب سخنم / که چرا غافل از احوال دل خویشتنم (سعری)
۵. خود نه زبان در دهان عارف مدهوش / حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا (سعری)
۶. به سر سبز تو ای سرو که گر خاک شوم / ناز از سر بنه و سایه بر این خاک انداز (ماقند)
۷. مگه یک کوه تاریخی دارد و این کوه یک آشنای صمیمی. (بهمن بیگی)
۸. گل در بر و می در کف و معشوق به کام است / سلطان جهانم به چنین روز غلام است (ماقند)
۹. تلمیذ بی‌ارادت، عاشق بی‌زر است و روندهٔ بی‌معرفت، مرغ بی‌پر و عالم بی‌عمل، درخت بی‌بر است و زاهد بی‌علم، خانهٔ بی‌در. (سعری)
۱۰. سعدی آن نیست که هرگز ز کمندت بگریزد / که بدانست که در بند تو خوش‌تر ز رهایی (سعری)
۱۱. بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین / کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس (ماقند)
۱۲. چه سود ریزش باران وعظ بر سر خلق / چو مرد را به ارادت صدف دهانی نیست (سعری)
۱۳. به جان و سر که نگردانم از وصال تو روی / وگر هزار ملامت رسد به جان و سرم (سعری)

## پاسخ تمرین

۱. آن سر، بلند [است] که [او] آن را بلند خواهد / نژند، آن دل [است] که [او] آن را نژند خواهد.
۲. [گیله‌مرد] اصلاً جواب نمی‌داد.
۳. یا بر خشتی خام [می‌گذرد].
۴. روزها فکر من این است و همه شب سخن من [این است] / که [من] چرا غافل از احوال دل خویشتنم
۵. خود نه زبان در دهان عارف مدهوش / حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا [حمد و ثنا می‌کند].
۶. به سر سبز تو [سوگند می‌خورم] ای سرو [یا تو هستم] که [من] گر خاک شوم [تو] ناز از سر بنه و [تو] سایه بر این خاک انداز.
۷. مگه یک کوه تاریخی دارد و این کوه یک آشنای صمیمی [دارد].
۸. گل در بر [است] و می در کف [است] و معشوق به کام است
۹. تلمیذ بی‌ارادت، عاشق بی‌زر است و رونده بی‌معرفت، مرغ بی‌پر [است] و عالم بی‌عمل، درخت بی‌بر است و زاهد بی‌علم، خانه بی‌در [است].
۱۰. سعدی آن نیست که [سعدی] هرگز ز کمندت بگیریزد / که [سعدی] بدانست که دربند تو از رهایی خوش‌تر [است]
۱۱. [تو] بر لب جوی بنشین و [تو] گذر عمر ببین / که این اشارت از جهان گذران ما را بس [است].
۱۲. ریزش باران و عظم بر سر خلق چه سود [دارد]
۱۳. به جان و سر [سوگند می‌خورم] که از وصال تو روی نگردانم.





## پرسش‌های چهارگزینه‌ای



مشاوران آموزش  
دستور زبان فارسی

پرسش‌های  
چهارگزینه‌ای

۱. در کدام بیت، حذف فعل وجود ندارد؟

(ریاضی ۹۸)

گوید بکش که مال سیل است و جان فدا  
چه از این به ارمغانی که تو خویشتن بیایی  
تا نکوید سخن از سعدی شیرازی به  
نیکیخت آن که تو در هر دو جهانش باشی

- ۱) گر بر وجود عاشق صادق نهند تیغ
- ۲) تو چه ارمغانی آری که به دوستان فرستی
- ۳) گوش بر نالهٔ بلبل کن و بلبل بگذار
- ۴) هرگز آن دل بنمیرد که تو جانش باشی

۲. در کدام بیت، حذف فعل به قرینهٔ معنوی وجود دارد؟

(زبان نظام قدیم ۹۸)

بامدادت که ببینند و من از حیرانی  
که به دوستان یکدل سر دست برفشانی  
دیو خوش طبع به از حور گره‌پیشانی  
آتشی نیست که او را به دمی بنشانی

- ۱) مردم از ترس خدا سجدهٔ رویت نکنند
- ۲) نه طریق دوستان است و نه شرط مهربانی
- ۳) کبر یک سو نه اگر شاهد درویشانی
- ۴) نفسی بنده‌نوازی کن و بنشین ار چند

۳. حذف فعل به «قرینهٔ معنوی» در همهٔ ابیات وجود دارد به جز:

(سراسری، انسانی ۹۶)

نه از مدحش خبر باشد نه از دم  
که پیش طایفه‌ای مرگ به که بیماری  
افسوس بر اینان که به غفلت گذرانند  
چنان موافق طبع آیدم که ضرب اصول

- ۱) گرفتار کمند ماهرویان
- ۲) من آبروی نخواهم ز بهر نان دادن
- ۳) چشمی که جمال تو ندیدست چه دیده است
- ۴) به دوستی که ز دست تو ضربت شمشیر

۴. در همهٔ ابیات «فعل اسنادی به قرینهٔ معنوی» محذوف است، به جز:

(سراسری، هنر ۹۶)

صاحب خبر بیامد و من بی خبر شدم  
اگر می‌بود با من روی گرمی آفتابش را  
هم آتشی زده‌ای تا نفیر می‌آید  
نگران تو چه اندیشه و بیم از دگرانش

- ۱) گوشم به راه تا که خبر می‌دهد ز دوست
- ۲) گران جان تر ز شبنم نیست جان ناتوان من
- ۳) رسید نالهٔ سعدی به هر که در آفاق
- ۴) هر که سودای تو دارد چه غم از هر که جهانش

۵. در کدام بیت، حذف فعل به «قرینهٔ معنوی» صورت گرفته است؟

(سراسری، تهرنی ۹۶)

به چشم عشق و ارادت نظر به هیچ نکردم  
طبیعی است اخلاق نیکو نه کسب  
به چشم عشق و ارادت نظر به هیچ نکردم  
که هر که چون تو گرامی بود به ناز آید

- ۱) حکایت از لب شیرین دهان سیم‌اندام
- ۲) کسان را درم داد و تشریف و اسب
- ۳) به چشم‌های تو دادم که تا ز چشم برفتی
- ۴) به جای خاک، قدم بر دو چشم سعدی نه

۶. در کدام بیت، حذف فعل به قرینهٔ لفظی صورت گرفته است؟

(سراسری، زبان ۹۶)

دعای ستم‌پدگان در پیت؟  
به درگاه حق منزلت بیش‌تر  
فشاندند در پای و زر بر سرش  
اسیران محتاج در چاه و بند؟

- ۱) کجا دست گیرد دعای ویت
- ۲) یکی را که سعی قدم پیش‌تر
- ۳) بفرمود گنجینهٔ گوه‌رش
- ۴) دعای منت کی بود سودمند

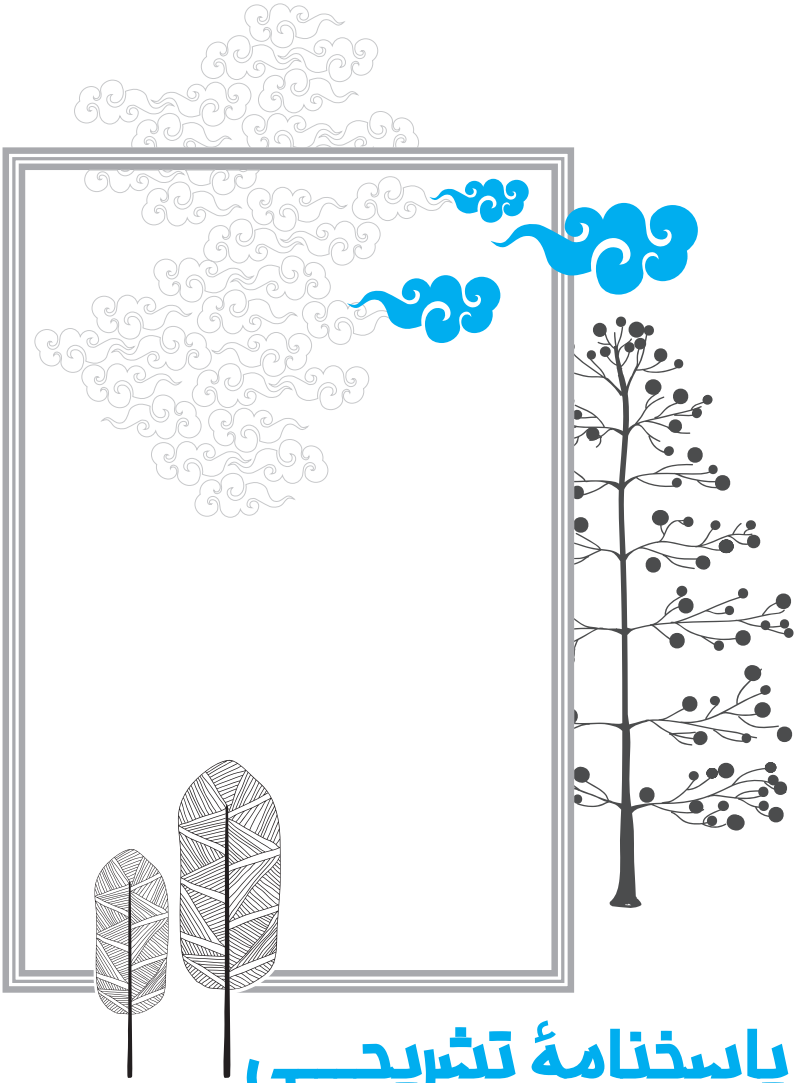
۷. با توجه به عبارت «یکی در حرب احد بود؛ گفت: بسیاری از صحابه شهید شدند؛ آب برداشتم و گرد تشنگان

می‌گشت تا که را رمقی از حیات باقی است؟» کدام ویژگی سبکی، مشهود است؟ (سراسری، انسانی ۹۴)

- ۱) حذف شناسهٔ (م) از آخر فعل ماضی جملهٔ دوم
- ۲) حذف شناسهٔ (م) از آخر فعل ماضی جملهٔ پنجم
- ۳) به کار بردن ضمیر مبهم در نقش نهاد در جملهٔ اول
- ۴) به کار بردن ضمیر پرسشی در نقش مفعول در جملهٔ ششم







پاسخنامہ تشریحی

۱. **گزینه ۳** در گزینه «۳» حذف فعل وجود ندارد: گوش بر ناله بلبل کن و بلبل بگذار (رها کن) / که از سعدی شیرازی به (بهتر) سخن نمی‌گوید.

حذف فعل‌ها در سایر گزینه‌ها: (۱) فعل «است» از انتهای بیت: ... جان فدا [است].  
(۲) فعل «است» پس از «به»: چه از این به ارمغانی [است] که ...  
(۴) پس از «آن»: ... نیکبخت آن [است].

۲. **گزینه ۳** در مصراع دوم فعل «است» به قرینه معنوی حذف شده است: دیو خوش طبع به [است] از حور گره‌پیشانی.  
(گره‌پیشانی: احمو، عبوس)

۳. **گزینه ۱** در این گزینه در پایان بیت حذف فعل به «قرینه لفظی» وجود دارد:  
گرفتار کمند ماهرویان / نه از مدحش خبر باشد نه از دم [ش خبر باشد]  
در گزینه‌های دیگر:

حذف فعل به «قرینه معنوی» صورت گرفته است:  
گزینه دوم: که پیش طایفه‌ای مرگ به که بیماری [است]  
گزینه سوم: افسوس [می‌خورم] بر اینان که به غفلت گذرانند

گزینه چهارم: به دوستی [سوگند می‌خورم] ...  
۴. **گزینه ۲** در این گزینه فعل هر دو جمله (نیست و می‌بود) ذکر شده است.

در سایر گزینه‌ها:  
گزینه نخست: گوشم به راه تا [بود] که خبر می‌دهد ز دوست / صاحب خبر بیامد و من بی‌خبر شدم

گزینه سوم: رسید ناله سعدی به هرکه در آفاق [است] / هم آتشی زده‌ای تا نفیر می‌آید  
گزینه چهارم: هرکه سودای تو دارد چه غم از هرکه جهانش [است] / نگران تو چه اندیشه و بیم از دگرانش [است]

۵. **گزینه ۳** در جمله‌های سوگندی «فعل» به قرینه معنوی حذف می‌شود: به چشم‌های تو [سوگند می‌خورم]

۶. **گزینه ۳** در این گزینه، فعل «فشانند» در انتهای بیت به قرینه لفظی حذف شده است:  
بفرمود گنجینه گوه‌رش / فشانند در پای و زر بر سرش [فشانند]  
در گزینه‌های دیگر:

حذف فعل به قرینه معنوی صورت گرفته است:

گزینه نخست: کجا دست گیرد دعای ویت / دعای ستم‌دیدگان در پی تو [باشد]؟

گزینه دوم: یکی را که سعی قدم پیش‌تر [باشد] / به درگاه حق منزلت بیش‌تر [است]

گزینه چهارم: دعای منت کی بود سودمند / اسیران محتاج در چاه و بند [باشند]؟

۷. **گزینه ۲** شناسه (-م) از آخر فعل ماضی در جمله پنجم به قرینه فعل قبلی حذف شده که از ویژگی سبکی قدیم است: آب برداشتم و گردِ تشنگان می‌گشت [م]

۸. **گزینه ۱** در جملات این گزینه، هیچ‌گونه حذف فعلی وجود ندارد.

بررسی حذف فعل در سایر گزینه‌ها:

گزینه دوم: که یارب! بر این بنده بخشایشی [کن]  
گزینه سوم: یکی شخص از این جمله در سایه‌ای [بود] / به گردن بر از حله پیرایه‌ای [داشت]

گزینه چهارم: عدو در چه [باشد] و دیو در شیشه [باشد] به [است]

۹. **گزینه ۱** در گزینه نخست حذف‌ها به «قرینه لفظی» صورت گرفته است:

[تو] چنان که در نظری [تو] در صفت نمی‌آیی  
در سایر گزینه‌ها حذف فعل به قرینه معنوی صورت گرفته است:

گزینه دوم: فروغ رای تو مصباح راه‌های مخوف